

4513

۵۷

۱

۵۱۲

هرمزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.Ketab.ir

معماری و شهرسازی

مطابقت سبک زندگی اسلامی

(از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود)

* با مقدمه حضرت آیت الله العظمی آراک *

محمدمنان رئیسی

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

و عضو قطب علمی معماری اسلامی

سرشناسه	: رئیسی، محمدمنان، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی: از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود/محمدمنان رئیسی؛ با مقدمه محسن اراکی.
مشخصات نشر	: قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۵۱۲ص.
شابک	: 978-600-8436-34-8
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: معماری اسلامی - ایران Islamic architecture - Iran / معماری ایرانی
موضوع	: شهرسازی - جنبه‌های مذهبی - اسلام - City planning -- Religious aspects - Islam
موضوع	: معماری - جنبه‌های قرآنی Architecture -- Qur'anic teaching
موضوع	: معماری اسلامی - جنبه‌های جامعه شناختی Islamic architecture --
موضوع	: Sociological aspects / شیوه زندگی - ایران Lifestyles -- Iran / شیوه زندگی -
موضوع	: جنبه‌های مذهبی - اسلام Lifestyles -- *Religious aspects - Islam
شناسه افزوده	: اراکی، محسن، ۱۳۳۴ -، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	: Araki, Mohsen
شناسه افزوده	: دانشگاه قم
شناسه افزوده	: University of Qom
رده بندی کنگره	: NA ۴۸۰/۹م ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۷۲۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۶۴۸



انتشارات دانشگاه قم

عنوان: معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی

مولف: محمد منان رئیسی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

صفحه‌آرا: حسین معظمی

چاپ و صحافی: هوشنگی

طراح جلد: مهجور

ناظر فنی: علیرضا معظمی

بهاء: ۳۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۶-۳۴-۸

ISBN: 978-600-8436-34-8

آدرس الکترونیکی: Publication@ Qom. ac.ir

کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است.

قم، بلوار الغدير، دانشگاه قم، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه

تلفن: ۳۳۴۴۰۳۲۱ - ۲۵ - ۳۳۴۵۰۳۲۱ - ۲۵

تقدیم به

سنت مقدس کوثر هستی ، سیده نساء العالمین

والحمد لله رب العالمین
والمصطفیٰ و آله و سلم

امید آنکه این تحفه زیباترین قبول درگاه پر مهر و کرم ایشان واقع شود.

فهرست مطالب

مقدمه آیت الله محسن اراکی (مد ظله العالی)	د
مگفتار	ز

بخش اول: پارادایم تحقیق در این کتاب / ۱

مختصات بخش اول	۱
فصل اول: پارادایم تحقیق در منظر اسلامی	۳
۱-۱- مبانی	۴
۱-۲- گونه‌شناسی پارادایم علمی تحقیق در معماری و شهرسازی	۸
۱-۳- تبیین پارادایم بنی	۱۱
۱-۴- تبیین پارادایم نسبی	۱۳
۱-۵- نقد و ارزیابی پارادایم‌های رایج از منظر اسلام	۱۶
۱-۵-۱- تحلیل انتقادی پارادایم عینی	۱۶
۱-۵-۱-۱- نقد اول (درک ناقص اصل علیّت):	۱۶
۱-۵-۱-۲- نقد دوم (فروگاهی روش‌های تحقیق، روش‌های صرفاً تجربی):	۱۷
۱-۵-۱-۳- نقد سوم (غفلت از ماهیت دومراتبی علم):	۱۸
۱-۵-۱-۴- نقد چهارم (تحلیل ناقص از رابطه گزاره‌های توصیفی و تجویزی):	۱۹
۱-۵-۱-۵- نقد پنجم (غفلت از چگونگی افاضه‌ی علم):	۲۱
۱-۵-۱-۶- نقد ششم (خروج گزاره‌های کلی از دامنه‌ی علم):	۲۲
۱-۵-۲- تحلیل انتقادی پارادایم نسبی	۲۲
۱-۵-۲-۱- نقد اول (نفی فطرت به عنوان حقیقتی غیرنسبی):	۲۲
۱-۵-۲-۲- نقد دوم (خودمتناقض بودن رویکرد نسبی):	۲۲
۱-۵-۲-۳- نقد سوم (اعتماد غیرموجه به رأی اکثریت):	۲۳
۱-۵-۲-۴- نقد چهارم (غفلت از مادی نبودن ادراک):	۲۵
۱-۵-۲-۵- نقد پنجم (تعارض با برخی مصادیق تاریخ علم):	۲۵
۱-۵-۲-۶- نقد ششم (تعریف فروکاهنده از عقل):	۲۵
۱-۶- جمع‌بندی	۲۶

بخش دوم: شهرسازی مطلوب در سبک زندگی اسلامی / ۳۳

مدخل بخش دوم ۳۳

فصل دوم: ماهیت شهر اسلامی ۳۷

۱-۲- مقدمه ۳۸

۳-۲- ماهیت شهر ۴۰

۴-۲- ماهیت شهر در سوره مبارکه یس ۴۲

۵-۲- ماهیت شهر در ادبیات قرآنی ۴۴

۶-۲- ماهیت شهر در ادبیات قرآنی ۴۸

۷-۲- ماهیت شهر در ادبیات قرآنی ۴۹

۸-۲- ماهیت شهر در ادبیات قرآنی ۵۰

۹-۲- ماهیت شهر در ادبیات قرآنی ۵۱

۱۰-۲- ماهیت شهر در ادبیات قرآنی ۵۲

۱۱-۲- ماهیت شهر در ادبیات قرآنی ۵۶

فصل سوم: اندازه افقی شهر مطابق با سبک زندگی اسلامی ۵۹

۱-۳- مقدمه ۶۰

۲-۳- ارجحیت اقامت در سکونت‌گاه‌های شهری ۶۱

۳-۳- مسجد جامع، کانون اصلی و رکن کالبدی شهر اسلامی ۶۴

۴-۳- استنباط اندازه مطلوب شهر مطابق با سبک زندگی اسلامی ۶۹

۵-۳- اندازه حومه شهر ۷۹

۶-۳- جمع‌بندی ۸۰

فصل چهارم: حدود عمودی شهر مطابق با سبک زندگی اسلامی ۸۳

۱-۴- مقدمه ۸۴

۲-۴- ریشه‌های تاریخی توسعه عمودی در معماری و شهرسازی معاصر ایران ۸۶

۳-۴- عدم مطلوبیت توسعه عمودی در شهر اسلامی ۹۱

۴-۴- ۱-۳- ادله صریح ۱۲

۴-۴- ۱-۱- نفی ارتفاع زیاد ساختمان ۹۲

۴-۴- ۲-۱- نفی اشرف به همسایه از طریق بلند ساختن بنا ۹۳

۴-۴- ۳-۱- ایجاد مزاحمت ساختمان‌های بلند در تهویه مطلوب ابنیه مجاور ۹۵

- ۹۵..... ۴-۳-۲- ادله غیر صریح
- ۹۶..... ۴-۳-۱- محدودیت در ارتفاع برخی از عناصر کالبدی شاخص
- ۹۷..... ۴-۳-۲- تقابل توسعه عمودی با تأمین آسایش و آرامش ساکنین ابنیه مسکونی
- ۹۹..... ۴-۳-۳- تقابل توسعه عمودی با انجام برخی تکالیف اجتماعی
- ۱۰۰..... ۴-۳-۲- تقابل توسعه عمودی با برخی از سنن معصومین (ع)
- ۱۰۱..... ۴-۳-۲-۱- سنت مشاهده آسمان و ستارگان در سحرگاهان
- ۱۰۲..... ۴-۳-۲-۲- سنت استهلال در شب اول ماه
- ۱۰۳..... ۴-۳-۵- تقابل ضمنی توسعه عمودی با برخی از آیات و ادعیه
- ۱۰۴..... ۴-۴- تبیین حاوود عمودی شهر بر پایه یکی از ادله مربوطه
- ۱۰۷..... ۱-۵- بحث بر یافته‌های علمی معاصر
- ۱۰۷..... ۴-۱- توسعه عمودی و تاب‌آوری شهری
- ۱۰۹..... ۲-۵- توسعه عمودی و مسائل زیست‌محیطی
- ۱۱۲..... ۳-۳- توسعه عمودی و مسائل کالبدی
- ۱۱۴..... ۴-۵- توسعه عمودی و مسائل اجتماعی
- ۱۱۵..... ۴-۶- جمع‌بندی

فصل پنجم: ساختار کالبدی و شاخصه‌های دی شهر مطهر با سبک زندگی اسلامی

- ۱۲۰..... ۵-۱- مقدمه
- ۱۲۱..... ۵-۲- ساختار کالبدی شهر اسرار
- ۱۲۸..... ۵-۳- عوامل موثر بر ساختار شهر اسلامی
- ۱۳۲..... ۵-۴- جایگاه عدل در شهر اسلامی
- ۱۳۴..... ۵-۵- نیازهای انسان به عنوان مبنای ساختار کالبدی شهر اسلامی
- ۱۴۳..... ۵-۶- نظام کالبدی شهر مطابق با سبک زندگی اسلامی
- ۱۴۴..... ۵-۶-۱- بند اول (قوا و نیازهای مختلف انسان):
- ۱۴۴..... ۵-۶-۲- بند دوم (اولویت نیازهای معنوی بر مادی):
- ۱۴۴..... ۵-۶-۳- بند سوم (اولویت کاربری‌های مذهبی بر سایر کاربری‌ها):
- ۱۴۵..... ۵-۶-۴- بند چهارم (اولویت مسجد بر سایر کاربری‌های مذهبی):
- ۱۴۶..... ۵-۶-۵- بند پنجم (اصل مسجد محوری در کلیت شهر و محلات آن):
- ۱۴۷..... ۵-۶-۶- بند ششم (اولویت سایر کاربری‌های عمومی بر کاربری‌های خصوصی):
- ۱۴۸..... ۵-۶-۷- بند هفتم (حدود کالبدی محله):
- ۱۵۰..... ۵-۶-۸- بند هشتم (حداکثر اندازه شعاع محله):
- ۱۵۴..... ۵-۶-۹- بند نهم (حداکثر مساحت و جمعیت محله):
- ۱۵۹..... ۵-۶-۱۰- بند دهم (حداکثر اندازه و جمعیت شهر اسلامی):
- ۱۵۹..... ۵-۷- جمع‌بندی

بخش سوم: معماری مطلوب در سبک زندگی اسلامی / ۱۶۵

۱۶۵	 دخل بخش سوم
۱۶۷	 فصل ششم: معماری مسجد مطابق با سبک زندگی اسلامی
۱۶۸	 ۱-۶- مقدمه
۱۷۰	 بررسی متون نقلی مرتبط با معماری مساجد
۱۷۰	 ۱-۶- تحلیل مضمونی آیات و روایات مرتبط با معماری مساجد
۱۸۲	 ۲-۲- بررسی گزاره‌های رقیب
۱۸۵	 ۳-۶- شیوه مضامین هندسی - فضایی مساجد برپایه متون دینی
۱۸۸	 ۴-۶- ارزیابی هندسی فضایی مساجد معاصر تهران برپایه متون دینی
۱۸۸	 ۴-۶- ۱-۴- نحوه احاطه احاد
۱۹۳	 ۴-۶- ۲-۴- ارزیابی هندسی - فضایی مساجد منتخب
۱۹۵	 ۵-۶- جمع‌بندی
۱۹۹	 فصل هفتم: معماری مسکن مطابق با سبک زندگی اسلامی
۲۰۰	 ۱-۷- مقدمه
۲۰۰	 ۲-۷- الگوی کالبدی مسکن (درون‌گرا یا بیرون‌گرا)
۲۰۴	 ۱-۲-۷- تبیین آیات مربوط به «سکن: آرامش» در شب بیل و همسر (زوج)
۲۰۶	 ۲-۲-۷- رمزگشایی از وجه اشتراک سه‌گانه‌ی «خانه»، «شب» و «همسر» در ادبیات قرآنی
۲۱۱	 ۳-۲-۷- مقایسه قابلیت پوشاندگی نمونه‌های مسکن درون‌گرا و بیرون‌گرا
۲۱۴	 ۴-۲-۷- مرور اجمالی فرایند استنتاج الگوی کالبدی مسکن مرتبط در سبک زندگی اسلامی
۲۱۸	 ۳-۷- مکان‌یابی ریزفضاهای مسکونی مطابق با سبک زندگی اسلامی
۲۱۹	 ۱-۳-۷- مکان‌یابی آشپزخانه
۲۲۳	 ۲-۳-۷- مکان‌یابی پذیرایی
۲۲۶	 ۳-۳-۷- مکان‌یابی اتاق خواب
۲۲۶	 ۴-۳-۷- مکان‌یابی سرویس بهداشتی
۲۳۷	 ۵-۳-۷- مکان‌یابی حمام
۲۳۹	 ۶-۳-۷- اصول سلبی و ایجابی مکانیابی ریزفضاهای مسکونی در سبک زندگی اسلامی
۲۴۱	 ۴-۷- رنگ ریزفضاهای مسکونی مطابق با سبک زندگی اسلامی
۲۴۲	 ۱-۴-۷- مؤلفه‌های مرتبط با رنگ مطلوب در ابنیه مسکونی مطابق با سبک زندگی اسلامی
۲۴۳	 ۱-۴-۷- ۱-۱- مؤلفه‌های کلان

۲۴۳	۱-۱-۴-۷- توجه به فرهنگ اسلامی جامعه
۲۴۴	۲-۱-۴-۷- توجه به مراتب مختلف نفوس و حیات انسانی
۲۴۵	۲-۱-۴-۷- مؤلفه‌های خُرد
۲۴۵	۱-۲-۱-۴-۷- حفظ و ارتقاء کیفیت روابط خانوادگی
۲۴۵	۲-۲-۱-۴-۷- آسایش و آرامش مسکن
۲۴۶	۳-۲-۱-۴-۷- پرهیز از تشخیص کالبدی مسکن
۲۴۷	۴-۲-۱-۴-۷- وسعت مسکن
۲۴۸	۵-۲-۱-۴-۷- آراستگی منزل
۲۴۹	۲-۴-۷- تحلیل رنگ‌های ریزفضاهای مسکونی بر پایه آیات و روایات
۲۵۱	۱-۲-۴-۷- رنگ زرد
۲۵۳	۲-۲-۴-۷- رنگ آبی
۲۵۵	۳-۲-۴-۷- رنگ قرمز
۲۵۷	۲-۲-۴-۷- رنگ سبز
۲۵۹	۵-۲-۴-۷- سفید
۲۶۱	۴-۲-۴-۷- رنگ مشکی
۲۶۳	۳-۴-۷- تطبیق رنگ‌ها بر مآلفه‌های مسکن مطلوب اسلامی
۲۶۵	۵-۷- جمع‌بندی
۲۶۷	فصل هشتم: معماری بازار مطابق با سبک زندگی اسلامی
۲۶۸	۱-۸- مقدمه
۲۶۹	۲-۸- شاخص‌های کالبدی- فضایی بازار سبک زندگی اسلامی
۲۶۹	۱-۲-۸- لزوم متذکر بودن فضا و کاربرد بازار
۲۷۲	۲-۲-۸- پرهیز از طراحی فضاهای معاشرت جمعی در بازار
۲۷۴	۳-۲-۸- لزوم تناسب الگوهای کالبدی- فضایی با سبک زندگی اسلامی
۲۷۶	۴-۲-۸- مکان‌یابی بازار در موقعیت‌های فرامحلی
۲۷۸	۳-۸- جمع‌بندی

بخش چهارم: تحلیل وضع موجود و علت کاوی عدم تطبیق شهرسازی و معماری معاصر ایران بر سبک زندگی اسلامی / ۲۷۹

مدخل بخش چهارم ۲۷۹

فصل نهم: فرهنگ لیبرال بر انحراف شهرسازی و معماری معاصر ایران از سبک زندگی اسلامی ۲۸۵

۱-۹- مقدمه	۲۸۶
۱-۹- ماهیت لیبرالیسم و ریشه‌های تاریخی آن	۲۸۹
۲-۹- سبک مفهومی لیبرالیسم	۲۸۹
۲-۹-۲- انی لیبرال	۲۹۱
۲-۹-۲-۱- سکولاریسم	۲۹۱
۲-۹-۲-۲- اصالت آزادی	۲۹۳
۲-۹-۳- عقلانیت	۲۹۴
۲-۹-۴- انسان‌محوری	۲۹۵
۲-۹-۵- فردگرایی	۲۹۶
۳-۹- تأثیرات فرهنگ لیبرال بر معماری و شهرسازی معاصر ایران	۲۹۷
۳-۹-۱- تأثیر سکولاریسم بر معماری و شهرسازی معاصر ایران	۲۹۸
۳-۹-۲- تأثیر اصالت آزادی بر معماری و شهرسازی معاصر ایران	۳۰۴
۳-۹-۳- تأثیر عقل‌گرایی (با تعریف لیبرالیسم) بر معماری و شهرسازی معاصر ایران	۳۰۸
۳-۹-۴- تأثیر اومانیسم بر معماری و شهرسازی معاصر ایران	۳۰۹
۳-۹-۵- تأثیر فردگرایی بر معماری و شهرسازی معاصر ایران	۳۱۳
۴-۹- جمع‌بندی	۳۱۵

فصل دهم: تأثیرات اقتصاد لیبرال بر انحراف شهرسازی و معماری معاصر ایران از سبک زندگی اسلامی ۳۱۹

۱-۱۰- مقدمه	۳۱۰
۲-۱۰- ماهیت لیبرال سرمایه‌داری به عنوان مهمترین نظام اقتصادی حاکم بر جهان معاصر	۳۱۰
۳-۱۰- تأثیرات لیبرال سرمایه‌داری بر معماری و شهرسازی معاصر	۳۲۸
۳-۱۰-۱- تأثیر مناسبات لیبرال سرمایه‌داری بر ساختار شهر	۳۲۸
۳-۱۰-۲- تأثیر مناسبات لیبرال سرمایه‌داری بر معماری مسکن	۳۳۶
۳-۱۰-۳- تأثیر مناسبات لیبرال سرمایه‌داری بر معماری بازار و مراکز تجاری	۳۴۶
۴-۱۰- جمع‌بندی	۳۵۴

فصل یازدهم: تأثیرات تمدن لیبرال غرب بر بروز بحران هویت در شهرسازی و معماری معاصر ایران... ۳۵۷

- ۱۱-۱- مقدمه ۳۵۸
- ۱۱-۲- تبیین الحاد در مبانی تمدن لیبرال غرب ۳۶۲
- ۱۱-۳- ظهور الحاد لیبرالیسم در معماری و شهرسازی ۳۶۶
- ۱۱-۴- تجلی الحاد لیبرالیسم در معماری و شهرسازی معاصر ایران ۳۶۷
- ۱۱-۵- رمزگشایی از بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران ۳۷۰
- ۱۱-۶- جمع‌بندی ۳۷۶

فصل دوازدهم: فرایند حیات هویت و سبک زندگی اسلامی در شهرسازی و معماری معاصر ایران ۳۸۱

- ۱۲-۱- مقدمه ۳۸۲
- ۱۲-۲- حکمت نظری و عملی اسلام ۳۸۲
- ۱۲-۳- فرایند احیاء سبک زندگی اسلامی در نظام کالبدی معاصر ایران ۳۸۵
- ۱۲-۳-۱- گام نخست (مستقر در حوزه‌های فرادست معماری و شهرسازی) ۳۸۵
- ۱۲-۳-۲- گام دوم (مستقر در حوزه‌های معماری و شهرسازی) ۳۸۷
- ۱۲-۴- فضاها و هندسه‌های متناسب با سبک زندگی اسلامی ۳۹۶
- ۱۲-۴-۱- فضای متناسب با قوا و نیازهای مادی انسان ۳۹۶
- ۱۲-۴-۲- فضای متناسب با نیازها و قواهای فرامادی و معنوی انسان ۳۹۸
- ۱۲-۵- جمع‌بندی ۴۰۳

مؤخره ۴۰۵

اعلام آیات و روایات ۴۱۳

- الف- آیات: ۴۱۳
- ب- روایات: ۴۳۳

فهرست منابع ۴۶۱

مقدمه آیت الله محسن اراکی (مد ظله العالی)

شهرها موجودات زنده ای هستند که زندگی خود را وامدار جمعی هستند که در آن شهرها زندگی می کنند، آنجا که جمعی برای زندگی مشترک گرد هم می آیند و زندگی مشترک دسته جمعی در مکان معینی را بر می گزینند به تدریج موجود زنده جدیدی متولد می شود که همان حیات جمع ساکنان شهر است، این موجود زنده به کالبدی در خور جان و روان خود نرمنده است به بتواند با رشد حیاتی آن موجود زنده هماهنگ باشد و نه تنها مانع رشد آن موجود زنده نگردد همانند خاک حاصلخیز و آب و هوای مناسب برای یک درخت، بتواند شرایط رشد مناسب آن موجود زنده را فراهم کند.

شهر، کالبد انسان جمعی است و مجمع جمعی شهروندان، جان و روان شهر است. جامعه ای می تواند راه رشد و تکامل را بر پیش گیرد که در کالبد شهری مناسب ارائه حیات و سازگار با رشد جان و روان خویش زیست کند، شهری که نتواند کالبد مناسبی برای انسان جمعی خویش باشد به یکی از دو سرنوشت محکوم می شود: یا اضطراب و از هم پاشیدگی یا انسجام موقت در جهت انحطاط و فروپاشی. خرید بزرگ می فرماید:

"فَكَأَيُّنَ مَنِ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرْسِهَا وَبُئِىَ مُعْطَلَةٌ وَقَصْرٌ مَّشِيدٌ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعْنَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ" (حج/ ۴۵ و ۴۶)

"چه بسیار شهری که در حالی که ستمگر بود آن را نابود کردیم آن خانه های پایه ها و بنیان های آن فرو ریخته و در هم کوبیده شدند و چه بسیار چاه رها شده و کانال های بیابانی که ساکنانش از بین رفته و متروک مانده است. آیا در زمین نگشتند تا دل های خردمند یا گوش های شنوا پیدا کنند؟! زیرا این چشم های سر نیستند که کور می شوند بلکه دل های در سینه اند که به کوری دچار می شوند". در این دو آیه، ستمگری به شهر نسبت داده شد و علت ستمگری مردم شهری را که نابود گشته است بی خردی و کوری دلها و ناشنوائی گوش ها قلمداد کرده است. بنابراین شهر ستمگر شهری است که از گوش شنوا و دل بینا و

خردمند بی بهره باشد. در اسلام بزرگ و عزیز و در منابع غنی و ژرف و شگرف آن حقایق فراوانی پیرامون شهر زنده و بینا و شنوا آمده و در مقابل، به شهر نابینا و کور و خفته و مرده نیز پرداخته شده و اوصاف و ویژگی های هریک از این دو شهر بیان شده است.

حقیقی که دوست پژوهشگر و فرهیخته، جناب دکتر محمدمنان رئیسی با عنوان «معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی» ارائه کرده است گامی در جهت تبیین ویژگی های شهری است که در منابع اسلامی به عنوان شهر زنده و بینا و شنوا از آن یاد شده است. توجه به اینکه این پژوهش در عرصه ای قدم نهاده که گام نهادن در آن به دلایل گوناگون بسیار دشوار و سخت است بسیار جای تقدیر و ستایش است.

تا آنجا که اینجانب اطلاع دارد این پژوهش گرانسنگ نخستین اثر تحقیقی جامع بین نگاه فنی به اصول شهرسازی ایستاد و معیارهای عمران شهری اسلامی از سوی دیگر است. در نتیجه ای این دو ویژگی ارزشمند و استثنائی، این اثر علمی گامی بلند و راهگشا در جهت بنیانگذاری شهر سالم اسلامی است که می تواند منشأ تحولی بزرگ در عرصه معماری شهری باشد. امید فراوان می رود که دست اندرکاران عمران شهری و مدیران کلان کشور عزیز ما ایران از این دست آورد بزرگ بهره شایسته ببرند و پژوهش ابتکاری و حقیقتاً ارزشمند را پایه ای برای ابتکارات بزرگ در عرصه شهرسازی اسلامی قرار داده و به الگوی شهر اسلامی منطق با معیارهای اسلامی جامه عمل بپوشانند. یقین دارم چنانکه مسئولان محترم از این اثر و ابتکاراتی که در این راستا ارائه می شود بهره برند، نگاه جدیدی در عرصه تبیین شهری پدید خواهد آمد و الگوی نوین شهرنشینی و شهرسازی سالم به بشریت عرضه خواهد شد. امید است محقق گرانقدر جناب آقای دکتر محمدمنان رئیسی این تلاش علمی ژرف و ابتکاری را تا تحقق عملی الگوی کامل شهر اسلامی سالم ادامه دهند.

محسن اراکی

پیشگفتار

«سبک زندگی»، مفهومی است که به ابعاد مختلف زندگی انسان، اعم از فردی و اجتماعی مربوط می‌شود و همه‌ی حوزه‌های رفتاری را شامل می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ۲۲۴-۲۲۳). اگرچه واژه‌ی «سبک زندگی» در قرون گذشته متداول نبوده است اما مفهوم آن همواره در فرهنگ ما و آیین‌های مختلف، جاری و ساری بوده است؛ به نحوی که هر فرهنگ و یا آیینی، در شؤون و مولفه‌های مختلفِ نحوه‌ی زیستن (اعم از نحوه لباس پوشیدن، غذا خوردن، تناسل و غیره) ترجیحات خاصی داشته است. در اسلام نیز، متناسب با عقاید و الزامات این آیین نوع مشخصی از سبک زندگی، ارجحیت دارد که رعایت آن سبب شکل‌گیری هویت اسلامی در جماع مسلمین و تمایز آنها از سایر فرهنگ‌ها و مکاتب می‌شود. پیشوایان دینی همواره بر حفظ این هویت مستقل و تمایز جوامع اسلامی از سایر جوامع در کلیه شؤون (حتی سرور جزئی نظیر نوع لباس و یا نوع پیرایش) تأکید داشته‌اند. برای مثال امام علی(ع) در این خصوص فرمود: «مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشد و از غذاهای آنان استفاده نکند، همواره در خیر خواهد بود و هنگامی که چنین کند خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد»^۱ (المحاسن، جلد ۲، ۴۴۰). در روایتی دیگر درباره تمایز نحوه پیرایش مسلمین از دیگران چنین آمده است: «شاید اگر کوتاه کنید و محاسن را پرپشت بگذارید و خود را به یهود شبیه نکنید»^۲ (من لایحضره الفقیه، جلد ۱، ۱۳۰). روایات مشابه دیگری نیز وجود دارد که همگی بیانگر اهتمام اسلام به تمایز سبک زندگی مسلمین از پیروان سایر مکاتب است.

از آنجایی که این اهتمام، شامل کلیه شؤون سبک زندگی (اعم از سبک لباس پوشیدن و پیرایش کردن و غیره) می‌شود، ساختمان‌سازی نیز که یکی از شؤون سبک زندگی است، از این قاعده مستثنی نخواهد شد. به بیان دیگر، ساده‌انگاری است که تصور شود که اسلام

۱. لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ صَرَبَتْهُمْ اللَّهُ بِالذَّلِّ.

۲. حَقُّوا الشَّوَارِبَ وَ أَغْفُوا اللَّحَى وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ.

در خصوص مسائلی جزئی نظیر سبک لباس پوشیدن یا سبک پیرایش کردن، ترجیحات و توصیه‌های مشخصی ارائه کرده باشد ولی در مسائل کلی‌تر و مهم‌تری همچون معماری و شهرسازی مسلمین، سکوت کرده باشد و آن را به کلی به عقل بشر واگذار کرده باشد. لذا همان‌طور که اسلام به امور جزئی نظیر سبک پیرایش و آرایش و غیره در جوامع مسلمین اهتمام دارد، به طریق اولی برای امور مهم‌تری نظیر معماری و شهرسازی آنها نیز ترجیحات خاصی دارد که رعایت این ترجیحات، لازمی تحقق سبک زندگی اسلامی و سبب حفظ و تقویت هویت اسلامی در جوامع مسلمین است.

از منظر معماری، شهرسازی در سبک زندگی اسلامی به دفعات از سوی اندیشمندان مختلف به سوره‌های دینی مورد تصریح قرار گرفته است. مقام معظم رهبری در این خصوص اشارات متعددی داشته‌اند که برای مثال می‌توان به این جمله ایشان که در دیدار با شهردار وقت و اعضای شورای اسلامی شهر تهران در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۳ بیان شده است اشاره نمود: "باید هر چه ممکن است محیط زندگی شهر، به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که تحقق سبک زندگی اسلامی مستلزم آن پذیر باشد" (<http://khamenei.ir>). آیت‌الله میرباقری با تأکید بر این مهم، در خصوص تأثیر نوع الگوی کالبدی مسکن بر تحقق برخی مولفه‌های سبک زندگی اسلامی چنین بیان می‌دارند: "در معماری درون‌گرا (سنتی)، مناسبات معماری به گونه‌ای تنظیم می‌گردید که روابط انسان‌ها بر تائیر آن، عقیفانه تنظیم شود. به نحوی که در این نوع معماری، روابط غیرضد مناسبات مختلف، محدود می‌شود و مراعات روابط عقیفانه بین زن و مرد، تسهیل می‌شود و اگر کسی بخواهد در چنین خانه‌ای عقیف نباشد، بایستی تلاش مضاعف کند. ولی در معماری معاصر و بیرون‌گرا که ساختمان‌ها با الگوی فضاهای باز (open) طراحی می‌شوند، پنجره‌ها به گونه‌ای است که از بیرون به داخل خانه اشراق وجود دارد و در داخل خانه نیز آشپزخانه در مجاورت پذیرایی و رفت و آمد مهمانان، باز است؛ این نوع معماری، برخلاف معماری درون‌گرا که بستری عفاف است، تسهیل‌کننده‌ی عدم عفاف است و به وضوح، رعایت حجاب و عفاف را برای بانوی خانه دشوار می‌سازد (میرباقری، ۱۳۹۶).

اما به رغم اهمیت فراوان معماری و شهرسازی در تحقق سبک زندگی اسلامی و تأکيدات متعدد اندیشمندان مختلف، در این خصوص هنوز پژوهش قابل اعتنایی انجام نشده است و لذا سعی شده است در این کتاب با رویکردی پژوهشی و بدیع، در حد مقدور به رفع این خلأ اقدام رود. بر این اساس، این کتاب همان طور که از عنوان آن برمی آید، پژوهشی است درباره معماری و شهرسازی متناسب با اقتضائات سبک زندگی اسلامی. طی بخش های مختلف این کتاب مشخص خواهد شد که برای زیستن مطابق با آموزه های اسلامی و بالتبع سبک زندگی اسلامی، نظام کالبدی معماری و شهرسازی بایستی حائز چه ویژگی هایی باشد و چگونه طراحی و احداث شود.

اما قبل از هر چیز لازم است به طور دقیق مشخص شود که سبک زندگی چیست و چه ارتباطی با معماری و شهرسازی دارد؟ وقتی درباره سبک زندگی تحقیق می شود در واقع آنچه مورد بررسی قرار می گیرد، «سبک»، «زیستن» و «زندگی» است. لذا لازم است قبل از بررسی «سبک زندگی»، ابتدا مفهوم «زیستن» و «زندگی» به طور دقیق مشخص شود تا سپس در گام بعد درباره سبک زندگی، بررسی های لازم صورت پذیرد. به بیان دیگر، هر پژوهشگری در این حوزه، قبل از ورود به بحث، بایستی با مفهوم «زندگی» آشنایی لازم را داشته باشد و در گام اول، به درک روشنی از مفهوم زندگی و زیستن رسیده باشد. مقام معظم رهبری، در این خصوص در دیدار عمومی در تاریخ ۱۳۵۱/۷/۱۳ چنین بیان داشته اند: "رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از «زندگی» است. هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می شود" (<http://khamenei.ir>)

بر این اساس می توان چنین گفت که تمایز اهداف و نوع نگاه به زندگی در همه ترازها سبک های زندگی است. از منظر اسلامی، طی یک دسته بندی کلی می توان با توجه به اهداف انسان ها از زندگی، زیستن آن ها را به دو طیف اصلی تقسیم نمود؛ زیستن معنوی که هدف و غایت آن، انگاره های ماوراء مادی و اخروی است و زیستن مادی که بر مدار اهداف صرفاً مادی و دنیوی شکل می گیرد. نتیجه اولی، زیست مؤمنانه است که قرآن، از اصحاب آن با عنوان «اصحاب یمین» تعبیر می نماید اما نتیجه دومی، زیست ملحدانه است که قرآن،

از اصحاب آن با تعبیر «اصحاب شمال» یاد می‌نماید: "وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ... وَأَصْحَابُ الشَّمالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمالِ" ^۱ (واقعه/۴۱-۲۷). این دوگانه در آیات قرآن با تعبیر متعدد دیگری همچون «طیبه و خبیثه»، «ایمان و الحاد» و غیره نیز مورد تصریح قرار گرفته است. ^۲ بر همین اساس، هر یک از سبک‌های زندگی، حول یکی از این دو نوع تلقی از زندگی شکل می‌گیرد. سبک‌هایی که در آنها، زیستن صرفاً مادی و لذت انگارانه تلقی می‌شود، سبک‌هایی که زیستن مادی را مقدمه و زمینه‌ساز حیات اخروی و جاویدان می‌داند. قرآن کریم با مقایسه این دوگانه، در آیات متعددی به اصالت آخرت و حیات معنوی در برابر دنیا و حیات مادی تصریح می‌فرماید:

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ^۳ (اعلیٰ/۱۷-۱۶)؛ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا يُذْنَبُ فَنَاءً ^۴ (نساء/۷۷)؛ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ^۵ (توبه/۸۰)؛ وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ^۶ (رعد/۲۶)؛ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَبُّنَهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا

۱. و یاران راست، یاران راست کدامند... و یاران چپ، کدامند یاران چپ.
۲. اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَالشَّيْءُ فِي السَّمَاءِ نُفُثٌ اُكْلَهَا كُلٌّ حِينَ يَأْتِنُ رَبَّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثِّلَتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ: آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است. میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد و خدا مثلها را برای مصلحتی زنده شاید که آنان پند گیرند. و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین زده شده و قاری ندارد (ابراهیم/۲۶-۲۴)؛ إِنَّ الَّذِينَ يُلْجِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَبِيرٌ أَمْ يَأْتِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِغْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ کسانی که آیات ما را تحریف می‌کنند بر ما پیوسیده نخواهند بود! آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان در قیامت به عرصه محشر می‌آید؟ هر کاری می‌خواهید انجام دهید، او به آنچه انجام می‌دهید بینا است (فصلت/۴۰).
۳. لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می‌گزینید با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است.
۴. بگو برخورداری [از این] دنیا اندک و برای کسی که تقوا پیشه کرده آخرت بهتر است و [در آنجا] به قدر نخ سسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت.
۵. آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست.
۶. و آنان به زندگی دنیا شاد شده اند و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره ای [ناچیز] نیست.

تَعْقِلُونَ^۱ (قصص/۶۰)؛ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلاَهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا كَلَّا تُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا^۲ (اسرا/ ۲۱-۱۸).

مام علی علیه السلام نیز در خصوص نوع نگاه به زندگی چنین می‌فرماید: "بندگان خدا بکوشید تا از چند روزه دنیا برای آخرت که دوره‌اش دراز و طولانی است، توشه بر گیرید؛ چه، دنیا برای عمل است و آخرت سرای بقا و جزا"^۳ (کافی، جلد ۸، ۱۷۴). روایت مشهور «الدُّنْيَا مَرَاغَةُ الْآخِرَةِ» (کافی، جلد ۳، ۳۸) و بسیاری از آیات و روایات دیگر نیز تأیید این مدعا هستند که از منظر اسلامی، زیست حقیقی، زیست معنوی است و حیات دنیوی صرفاً از آن جهت ارزش دارد که می‌تواند بستر ساز حیات اخروی و جاویدان باشد. لذا در سبک زندگی اسلامی، اصالت و هدف غایی در کلیه شؤون (از جمله شؤون کالبدی و معمارانه) با انگاره‌های معنوی و اخروی است. هدف مادی و دنیوی تا جایی ارزشمند هستند که همسو و بستر ساز این انگاره‌ها باشند و آنها را تسهیل کنند.

توجه به این مهم در تبیین سبک زندگی دارای اهمیتی مضاعف است زیرا بینش و هدفی که فرد برای زندگی ترسیم می‌نماید، شکل دهنده به ارزش‌ها و سپس کنش‌های او می‌شود؛ یعنی بینش و جهت‌گیری اصلی که برای زندگی تعریف می‌شود مجموعه‌ای از ارزش‌ها و کنش‌هایی را شکل می‌دهد که این مجموعه، سبک زندگی فرد را تولید می‌نماید.

۱. و هر آنچه به شما داده شده است کالای زندگی دنیا و زیور آن است و آنچه پیش خداست بر و پایدارتر است مگر نمی‌اندیشید.

۲. هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است به زودی هر که را خواهیم [نصبی] از آن می‌دهیم آنکه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد برای او مقرر می‌داریم و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد آن‌اند که تلاش آنها مورد حق شناسی واقع خواهد شد هر دو [دسته] اینان و آنان را عطا می‌بخشیم و عطا می‌پروردگار [از کسی] منع نشده است بین چگونه بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم و قطعاً درجات آخرت و برتری آن بزرگتر و بیشتر است.

۳. اجْعَلُوا عِبَادَ اللَّهِ اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّرْوُدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ.

به بیان دیگر، سبک زندگی انسان (که متشکل از مجموعه‌ی کنش‌ها و حوزه‌های رفتاری اوست)، محصول بینش و اعتقادات او می‌باشد و در تأثیرپذیری کنش از بینش (یا تأثیرپذیری وجه بیرونی و ظاهری از وجه درونی و باطنی) تردیدی وجود ندارد. امام علی (ع) در تصریح تأثیر بینش بر کنش چنین می‌فرماید: "عقل‌ها پیشوایان افکارند و افکار پیشوایان قلب‌ها و قلب‌ها پیشوایان حواس و حواس پیشوایان اعضا و جوارح"^۱ (بحارالانوار، جلد ۱، ۹۶). ملاحظه می‌گردد که طبق این روایت، آنچه که توسط اعضا و جوارح نمود می‌یابد (که شامل کلیه سبک‌ها و عادات سبک زندگی می‌گردد) در مراحل قبل، نشأت گرفته از عالم عقل و فکر انسان و در واقع بینش او می‌باشد. ایشان در روایتی دیگر چنین می‌فرمایند: "و بدان که هر ظاهر را باطنی است که بر مثال آن است، آنچه ظاهرش پاکیزه بود باطنش نیز آن‌چنان است. آنچه ظاهرش پلید است، باطن آن نیز پلید است، ... و بدان! هر کرده‌ای چون میوه‌ای است که از گیاهی رسته است، و هیچ گیاه را از آب بی‌نیازی نیست، و آبها گونه‌گون بود. آنچه آبیاری‌اش نکند، درختش نابود و میوه‌اش شیرین است، و آنچه آبیاری‌اش پلید، درختش پلید و میوه‌اش تلخ است"^۲ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). امام صادق (ع) نیز در روایتی مشابه چنین می‌فرماید: "آلودگی ظاهر معلول آلودگی باطن است و کسی که درون خود را پاک کند، خداوند بیرون او را پاک می‌کند"^۳ (بحارالانوار، جلد ۷۰، ۳۲۵). لذا از منظر اسلامی، کنش‌ها و حوزه‌های رفتاری که بیانگر مصادیق بیرونی عینی می‌باشند، برگرفته از بینش‌ها و ابعاد معنایی و درونی زندگی هستند و بنابراین، این بینش هستند که خاستگاه کنش‌های رفتاری و سبک زندگی می‌باشند.

بر این اساس، طبق تعریفی اجمالی می‌توان چنین گفت که سبک زندگی عبارت است از «مجموعه کنش‌ها و الگوهای رفتاری که معطوف به ابعاد معنایی و بینشی زندگی باشد».

۱. الْعُقُولُ أَيْمَةُ الْأَفْكَارِ وَ الْأَفْكَارُ أَيْمَةُ الْقُلُوبِ وَ الْقُلُوبُ أَيْمَةُ الْخَوَاشِ وَ الْخَوَاشُ أَيْمَةُ الْأَعْضَاءِ.
 ۲. وَ اعْلَمْ أَنَّ لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنًا عَلَى مِثَالِهِ فَمَا ظَلَبَ ظَاهِرُهُ ظَلَبَ بَاطِنُهُ وَ مَا خَبَتْ ظَاهِرُهُ خَبَتْ بَاطِنُهُ ... وَ اعْلَمْ أَنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتًا وَ كُلُّ نَبَاتٍ لَا عَتَى بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَ الْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ فَمَا ظَلَبَ سَقِيَّتُهُ ظَلَبَ غَرْشُهُ وَ خَلَتْ ثَمَرَتُهُ وَ مَا خَبَتْ سَقِيَّتُهُ خَبَتْ غَرْشُهُ وَ امْرَأَتُ ثَمَرَتُهُ
 ۳. فَسَادُ الظَّاهِرِ مِنْ فَسَادِ الْبَاطِنِ وَ مَنْ أَصْلَحَ سِرِّيَّتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَاقَتَهُ

بیان دیگر، سبک زندگی به عنوان مجموعه‌ای در هم تنیده‌ای از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، برآمده از نظام بینشی و معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در یک جامعه انسانی ایجاد می‌کند؛ و از آن جایی که هیچ کدام از جوامع بشری را نمی‌توان عاری از فرهنگ تصور کرد، بنابراین می‌توان گفت تمام اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تاکنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فرهنگی خود برخوردار بوده‌اند (فاضل قانع، ۱۳۹۱، ۱). به بیان دیگر، قدمت وجودی سبک زندگی، هم تراز با قدمت فرهنگ و تمدن انسانی است و انسان‌ها در تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف، همواره دارای سبک زندگی مشخص و متناسب با فرهنگ خود بوده‌اند. به این ترتیب، هر آنچه که شاخص فرهنگ یک جامعه، شکل می‌گیرد (نظیر چگونگی لباس پوشیدن اعضای جامعه، آداب مراسم ازدواج، آداب زندگی خانوادگی، الگوهای کار و فعالیت، مراسمات مذهبی، انواع سرگرمی، شیوه غذای اوقات فراغت و غیره)، جزئی از سبک زندگی آن جامعه و یا حداقل، موثر بر سبک زندگی آن جامعه است (گیتن، ۱۳۸۱، ۵۶). به همین دلیل است که آداب پوشش در فرهنگ و سبک زندگی اسلامی با آداب پوشش در سبک زندگی غربی یا شرقی متفاوت است؛ همان‌طور که آداب رستخیز، کیفیت غذا خوردن و غیره نیز در فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مختلف، متفاوت می‌باشد.

اکنون که مشخص شد سبک زندگی، مولود فرهنگ یک جامعه و مبانی بینشی و معنایی آن است، می‌توان چنین استنتاج نمود که تمایزات نظام‌های کالبدی و به طور کلی، معماری و شهرسازی (به عنوان یکی از مهمترین وجوه کالبدی سبک زندگی) در فرهنگ‌های مختلف، امری بدیهی است. به بیان دیگر، تمایزات بینشی و فرهنگی، منجر به تمایزات سبک زندگی می‌شود که این امر نیز، منتج به تفاوت‌های معماری و شهرسازی در فرهنگ‌های مختلف می‌گردد.

برای مثال، مقایسه جایگاه خانه در سبک زندگی شهری یا مدرن با جایگاه خانه در سبک زندگی روستایی یا سنتی، بیانگر نکات قابل توجهی در این خصوص می‌باشد؛ با توسعه شهرنشینی، خانه، بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش، مانند خانه به مثابه محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها و محل

کار و البته تولید، همه چیز به جز محل خواب را به فضای شهری منتقل کرده است. به نحوی که شهروند مدرن، برای تفریح به پارک‌ها و شهربازی‌ها مراجعه می‌نماید، همچنان که که برای صرف غذا به رستوران‌ها و غذاخوری‌ها و برای جشن به تالارها و حتی برای ملاقات با دوستان به کافی‌شاپ‌ها مراجعه می‌نماید؛ حال آنکه در سبک زندگی سنتی همه این موارد در خانه انجام می‌شد. گویی اکنون، دیگر شعار «شهر ما خانه ما» بیش از آنکه «استعاره‌ای» برای شهر باشد، بیانگر و توصیف «واقعیت» است (فاضلی، ۱۳۸۷، ۴۱). همگی این تحولات و تغییر نقش خانه، ریشه در تغییر سبک زندگی دارد؛ تغییری از سبک زندگی سنتی یا روستایی به سبک زندگی مدرن یا شهری.

در همین راستا، می‌توان به تغییر کارکرد جنسیتی خانه در شهرهای معاصر اشاره نمود. با تغییر نگاه به خانواده و نقش زنان در سبک زندگی معاصر، فرصت‌های شغلی و اجتماعی بیشتری برای حضور زنان در جامعه فراهم شده است که این امر، به کاهش کارکردهای جنسیتی و سنتی خانه منتهی شده است. این تغییر نگاه به جنسیت، نه تنها در نحوه دکوراسیون و تزئینات و مؤلفه‌های معماری خانه تأثیر گذاشته است بلکه تعیین کننده نوع سازمان فضایی آن نیز می‌تواند باشد. به نحوی که تغییر نقش جنسیتی خانه، سبب توسعه و بسط فضای بسته، حذف حیاط مرکزی و از میان رفتن اندرونی و بیرونی شده است و فاصله و حریم بین زنانگی و مردانگی به حداقل رسیده است (اداهیمی و دیگران، ۱۳۹۶، ۳۴). برداشته شدن دیوارهای آشپزخانه، قابل رؤیت بودن اتاق‌ها از فضای پذیرایی و محل حضور میهمانان، افزایش پنجره‌ها و گشودگی به فضاهای بیرون، همگی از دیگر تغییرات حاصل از تحول در فرهنگ جنسیتی سنتی و سبک زندگی متناسب آن است (فاضلی، ۱۳۸۷، ۴۵).

تغییر نقش خانه و مصادیق مختلف آن در سبک زندگی معاصر، محدود به مثال‌ها و توضیحات فوق نیست؛ بلکه این تغییر نقش، آن قدر زیاد است که دیگر، برخی از مفاهیم اصلی همراه با خانه همچون «خانه پدری» در برخی کلان‌شهرهای معاصر - به ویژه در کشورهای غربی - به کلی در حال فراموش شدن است. در این کشورها، بسیاری از نوجوانان بعد از سنین ۱۶ یا ۱۷ سالگی برای همیشه از خانه پدری جدا می‌شوند؛ البته اگر اساساً در

خانه پدری بزرگ شوند زیرا در فرهنگ غربی، بسیاری از فرزندان، تنها خانه مادری را تجربه می‌کنند (مقایسه شود با سبک زندگی سنتی در شهرهای سنتی ایران که فرزندان پسر حتی بعد از ازدواج و تشکیل خانواده نیز از خانه پدری جدا نمی‌شدند و در خانه‌های گسترده، با اختصاص اتاقی به خود و همسرشان، ماندگار می‌شدند). علاوه بر غرب، در برخی شهرهای معاصر ایران نیز مفهوم خانه پدری در حال فراموشی است زیرا در سبک زندگی مدرن، اساساً غلب پدرها دیگر خانه ثابتی ندارند و هر از چندگاه، تغییر جا و مسکن می‌دهند. کما اینکه تعداد و بزرگی سبک‌ها در خانه پدری نیز تقریباً منسوخ شده است و فرزندان در زایشگاه متولد و سپس در شیرازگاه و مهدکودک و مدرسه بزرگ می‌شوند. حتی اوقاتی نیز که در خانه هستند، اغلب در فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای سیر می‌کنند و به واقع، در خانه‌ای مجازی رشد می‌کنند نه خانه واقعی (همان، ۵۱). روشن است که همه‌ی این تغییرات، حاصل تغییر فرهنگ زیست و تحول سبک زندگی است.

توضیحات فوق در خصوص خانه، صرفاً از باب مال بیان گردید و مقایسه سایر کاربری‌ها در فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مختلف، به نتایجی مشابه منجر می‌گردد. زیرا همان‌طور که تشریح شد، هر فرهنگ و بلکه سبک زندگی و بالتبع، معماری و شهرسازی متناسب با خود را تولید می‌نماید. پس در واقع، سبک‌های زندگی، نشان دهنده کم و کیف فرهنگ و نظام باورها و ارزش‌های افراد است (ناضل قانع، ۱۳۹۲، ۹) و این نظام باورها و ارزش‌ها است که تعیین کننده سبک زندگی افراد می‌باشد. لذا دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های جدید، به شکل‌گیری سبک زندگی جدیدی منجر می‌گردد. این دقیقاً همان رویکردی است که از سوی پیامبران الهی پی‌گیری شده است؛ آن‌ها از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزش‌های دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و سیوه انخاب مردم، بهره می‌گرفتند تا آن‌ها با رضایت خاطر و به خواست خود، به اصلاح الگوهای سبک زندگی خویش اقدام نمایند.

در همین راستا، فرهنگ برآمده از آیین اسلام نیز مولد سبک زندگی متناسب با خود است که از مهمترین منابع مولد این سبک، قرآن کریم و سنت و سیره معصومین (ع) است. قرآن کریم که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود، سرشار از الگوهایی است که

شیوه زندگی و زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌نماید و به صراحت برخی از افراد نظیر پیامبر اکرم(ص) را به عنوان الگویی مطلوب برای زیستن معرفی می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا^۱ (احزاب/۲۱). روایات نیز به عنوان یکی دیگر از مهمترین منابع نقلی اسلام، آموزه‌های مهمی در خصوص سبک زندگی و شیوه مطلوب زیستن ارائه نموده‌اند که این منابع غنی (اعم از آیات و روایات) تاکنون به طور شایسته و بایسته برای استنتاج راهبردهای معمارانه و شهرسازانه و در رفق‌کاو قرار نگرفته است. بر همین اساس، طی این پژوهش سعی شده است این منابع غنی با هدف تبیین معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی مورد بررسی تحلیلی قرار گیرد تا مشخص شود که اسلام و منابع نقلی آن (اعم از آیات و روایات)، در خصلت معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی، چه راهبردها و راهکارهایی ارائه کرده است؟

با توجه به توضیحات فوق‌الذکر از معماری و شهرسازی اسلامی در این کتاب، معماری و شهرسازی برآمده از آموزه‌های اسلام و متناسب با این اسلام می‌باشد و نه معماری و شهرسازی مسلمین و یا دوره‌های اسلامی. بیان دیگر، معماری و شهرسازی اسلامی، معماری و شهرسازی است که به طور مستدل و با استناد به منابع دست اول دینی (آیات و روایات) بتوان آن را منتسب به اسلام نمود و در تطبیق آن با سبک زندگی اسلامی، تردیدی نباشد. بر این اساس، بایستی بین این تعبیر با مفاهیم مشابه (نظیر معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی، اسلامی- ایرانی، ایرانی و غیره) تمایز قائل شد؛ هرچه شباهت‌ها و اشتراکاتی نیز بین این تعابیر و مفاهیم وجود دارد. اما موارد متعددی از تطبیق معماری و شهرسازی موسوم به ایرانی- اسلامی وجود دارد که به رغم همراه داشتن پسوند اسلامی، با برخی متون دست اول دینی تناقضات آشکاری دارد.

۱. قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

برای مثال، بسیاری از مساجد دوره تمدن اسلامی که در حال حاضر به عنوان شاهکارهای معماری اسلامی معرفی می‌شوند با بسیاری از روایات معتبر نقل شده از معصومین (ع) تعارض دارند (به این موضوع در فصل ششم این کتاب پرداخته خواهد شد). وضعیت برخی از خانه‌های موسوم به مسکن اسلامی نیز که در دوره‌های تاریخی تمدن ایرانی اسلامی ساخته شده‌اند، چنین است و می‌توان نقدهای متعددی را با استناد به منابع معتبر دینی به آنها وارد نمود. لذا لازمه‌ی انتساب معماری و شهرسازی به اسلام، درک و تعریف درست از اسلام و آموزه‌های اسلامی است.

به این ترتیب چنانچه معماری و شهرسازی با آموزه‌های اسلامی و متون معتبر دینی همسو باشد (و یا حداقل با آنها تعارض نداشته باشد) می‌توان آن را به اسلام منتسب نمود و در غیر این صورت - به ویژه در حالتی که تعارضات آشکار بین مصادیق معماری و شهرسازی با منابع معتبر اسلامی وجود داشته باشد - حتی اگر آن معماری و شهرسازی، پسوند اسلامی را به همراه داشته باشد و ساخته شده توسط مسلمانان در دوره‌های تمدن اسلامی باشد، نمی‌توان و بلکه نباید آن را به اسلام و بالتبع، سبک زندگی اسلامی منتسب نمود. کما اینکه ممکن است بسیاری از رفتارهای دیگر مسلمانان نیز با آموزه‌های اسلامی تطبیق نداشته باشد و بلکه تعارض داشته باشد (همچنان که متأسفانه امروزه در بازار مسلمانان، رفتارهای ناپسندی همچون کم‌فروشی و بروغ و غره مشهود است و یا در محیط‌های عمومی شهرهای مسلمانان، بی‌توجهی به برخی شعائر عین نظیر عفاف و حجاب و غیره مشاهده می‌شود اما هیچ کس در این امر تردید ندارد که این نوع رفتارها با وجود آنکه از مسلمانان سر می‌زند را نباید به اسلام منتسب نمود). پس معماری و شهرسازی را زمانی می‌توان مطابق با سبک زندگی اسلامی دانست که ریشه در نظام بینشی اسلامی داشته باشد و کنش‌های کالبدی آن، بیانگر کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های اسلامی باشد. پرداختن همه جانبه به این موضوع، از ظرفیت یک کتاب محدود، خارج است اما طبعاً این پژوهش سعی شده است اهمّ رؤس این موضوع با رویکردی نوآورانه و تحلیلی ارائه شود. برای این مهم، ساختار این کتاب به چهار بخش اصلی تقسیم شده است که بخش اول به شرح رویکرد تحقیق در این کتاب اختصاص دارد، دو بخش بعد (بخش‌های دوم و سوم) به

تشریح چستی وضع مطلوب در معماری و شهرسازی از منظر اسلامی اختصاص دارد (به ترتیب، بخش دوم به شهرسازی و بخش سوم به معماری مطابق با سبک زندگی اسلامی اختصاص دارد) و بخش آخر (بخش چهارم) نیز به تحلیل چرایی وضع موجود معماری و شهرسازی معاصر ایران و علت‌کاوی انحراف آن از وضع مطلوب اختصاص دارد. هر یک از این بخش‌ها متشکل از فصول مختلفی است که در ادامه، به صورت اجمالی به محتوا و موضوع هر یک از این فصل‌ها اشاره می‌شود.

این کتاب با رویکردی تحلیلی-پژوهشی نگارش شده است، فصل اول کتاب به پارادایم روش‌شناسی تحقیق از منظر اسلامی اختصاص یافته است که طی این فصل به طور مستقیم به بحث سبک زندگی اسلامی ورود نمی‌شود، بلکه به این موضوع اختصاص یافته است که روش‌شناسی تحقیق از منظر اسلامی چیست و پارادایم تحقیق در این کتاب از چه منابع و روش‌هایی بهره برده است. لذا این فصل، به مخاطبان محترم کمک می‌نماید تا این موضوع را بهتر درک نمایند که چرا محتوا و یافته‌های پژوهشی این کتاب را می‌توان همسو با آموزه‌های اسلامی دانست و اعتبارسنجی نتایج آن از منظر اسلامی به چه نحو تأمین شده است. این فصل، تنها فصل کتاب است که به تنهایی یک بخش را تشکیل داده است.

پس از تبیین پارادایم حاکم بر این پژوهش، در بخش دوم به موضوع شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی پرداخته شده است. این بخش با چهار فصل تقسیم شده است که ترتیب این فصول، بر اساس سیر از کلیات به جزئیات شهرسازی تنظیم شده است. به نحوی که در فصل اول این بخش (یعنی فصل دوم کتاب) به موضوع ماهیت شهرسازی پرداخته شده است؛ سپس در فصل بعد، موضوع حدود و اندازه افقی شهر مطلوب اسلامی تبیین شده است، آنگاه به حدود و اندازه‌های عمودی ابنیه مطابق با سبک زندگی اسلامی پرداخته شده است و نهایتاً در فصل آخر این بخش، به موضوع ساختار شهر مطابق با سبک زندگی اسلامی پرداخته شده است که طی این فصل، نظام کالبدی مطلوب شهر و شاخصه‌های عددی آن نظیر حداکثر جمعیت، حداکثر وسعت، تراکم و غیره با استناد به متون و آموزه‌های اسلامی ارائه شده است.

لازم به ذکر است که اغلب ایده‌های این بخش (بخش دوم کتاب)، برگرفته از برداشت‌های نگارنده از دروس برخی علما و فضایی حوزه علمیه قم است؛ برای مثال، ایده شکل دهنده به فصل دوم کتاب، حاصل برداشت نگارنده از درس تفسیر قرآن حکیم گراندقندر، آیت‌الله جوادی آملی است که سعی شده است با تدقیق در آن، نکات و آموزه‌هایی جهت تربیت در دانش شهرسازی استنباط شود. ایده محوری در فصل‌های دوم و سوم این بخش (بخش شهرسازی) نیز برگرفته از برداشت‌های نگارنده از «درس خارج فقه نظام عمران شهری» است. طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ توسط فقیه گراندقندر، آیت‌الله محسن اراکی در مدرسه دارالفقاهای قم ارائه شده است و نگارنده، توفیق حضور در اغلب جلسات این درس وزین را داشته است.

بخش بعد (بخش سوم کتاب) به موضوع معماری مطابق با سبک زندگی اسلامی اختصاص یافته است. این بجای به موضوعات زیرمجموعه معماری، بسیار گسترده است و پرداختن به انواع کاربری‌های شهری از ظرفیت یک کتاب محدود، خارج است، طی این بخش بر سه مورد از مهمترین کاربری‌های شهری تمرکز شده است که عبارتند از مسجد (به عنوان رکن معنوی و ماهوی شهر اسلامی)، بازار (به عنوان رکن اقتصادی شهر اسلامی) و مسکن (به عنوان کاربری که به طور نسبی، بیشترین اوقات شهروندان در آن سپری می‌شود و سلول پایه در گسترش شهر اسلامی است). هر یک از این کاربری‌ها، یک فصل از بخش سوم کتاب را به خود اختصاص داده است که طی آن فصل، به اتم مباحث کالبدی مربوط به آن کاربری (اعم از الگوی کالبدی و هندسه و رنگ و عیره) مطابق با سبک زندگی اسلامی و با استناد به متون دست اول دینی پرداخته شده است.

پس از تشریح معماری و شهرسازی مطلوب و مطابق با سبک زندگی اسلامی، بخش آخر این کتاب (بخش چهارم) به این موضوع اختصاص یافته است که چرا با وجود منابع غنی اسلامی و راهبردها و راهکارهایی که از این منابع برای نظام کالبدی، قابل استنباط است، معماری و شهرسازی معاصر ایران تا این حد از آموزه‌های اسلامی فاصله دارد و علت این همه تناقض بین معماری و شهرسازی معاصر ایران و سبک زندگی اسلامی چیست؟ طی این بخش سعی شده است علاوه بر آسیب شناسی معماری و شهرسازی معاصر ایران

از منظر اسلامی و تحلیل چرایی انحراف آن از سبک زندگی اسلامی، کم و کیف و چگونگی اصلاح وضعیت موجود و امکان تطبیق معماری و شهرسازی معاصر با سبک زندگی اسلامی نیز تحلیل شود.

بنابوجه به توضیحات فوق، ساختار اصلی این کتاب، بر اساس سیری از کل به جزء، تنظیم شده است. به نحوی که ابتدا، روش شناسی تحقیق در این کتاب ارائه شده است تا مشخص شود این پژوهش از چه منابع و به طور کلی، چه پارادایم و رویکردی برای استنتاج یافته‌ها بهره گرفته است؛ سپس به مباحث عام شهرسازی از منظر اسلامی پرداخته شده است، سپس به موضوعات مسائل معماری (که جزئی‌تر و فرع بر شهرسازی است) تمرکز شده است و نهایتاً به چرایی و علت‌کاوی عدم تطبیق معماری و شهرسازی معاصر ایران بر سبک زندگی اسلامی و بررسی مکان، اصلاح و تطبیق آن بر الزامات این سبک زندگی پرداخته شده است. این سیر از کلی به جزئی، که سبب تنظیم و ترتیب بخش‌های اصلی کتاب شده است، در محتوای خود بخش‌های فصول زیرمجموعه‌ای هر بخش نیز رعایت شده است تا مخاطبان گرامی، بتوانند سیری منسجم از این پژوهش، دنبال نمایند.

لازم به ذکر است که به دلیل این سیر منطقی، محتوای این کتاب، ساختاری منسجم و به هم پیوسته را شکل داده است و لذا مطالعه گزینشی و انتخابی قسمت‌های مختلف این کتاب، ممکن است به نتیجه مطلوبی منجر نگردد و برداشت‌های ناقصی را به ذهن مخاطب منتقل نماید. به بیان دیگر، به دلیل نظام‌مند بودن ساختار کتاب و حاکم بودن سیر منطقی بر محتوای بخش‌ها و فصول مختلف آن، این پژوهش همچون سامانه‌ای به هم پیوسته است که لازمه‌ی برداشت صحیح از هر بخش آن، مراجعه درستی و ترتیبی به آن بخش در سیر منطقی کل سامانه است.

در پایان پیشگفتار لازم است به این موضوع مهم تصریح شود که آنچه طی این کتاب ارائه شده است، عمدتاً از سنخ معارف معماری و شهرسازی اسلامی است و نه فقه معماری و شهرسازی. به بیان دیگر، نگارنده قصد نداشته است که طی این کتاب به استنباط احکام مرتبط با معماری و شهرسازی بپردازد (که اساساً این مهم در حیطه صلاحیت مجتهدین و فقهای عظام است) بلکه قصد داشته است تا با تعمق و تدبّر در متون دینی (آیات و روایات)،

برداشت‌های فنی خود از این منابع غنی را به محضر جامعه علمی (اعم از حوزوی و دانشگاهی) عرضه نماید و گمان نگارنده بر آن است که این امر (یعنی استخراج معارف از متون دینی و نه استنباط احکام از این منابع)، نه تنها برای عموم افراد بلااشکال است که حتی توده قرآن کریم نیز بر همین مهم است؛ قرآن کریم به صراحت همه (و نه صرفاً افلاک) که بر اصول و فقه و سایر علوم مشابه، مسلط هستند) را به تدبّر و تعمّق در خود دعوت می‌فرماید: "أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا: آیا در معانی قرآن تدبّر می‌نمایند اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیار می‌یافتند" (نساء/۸۲)؛ "أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا: آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است" (ه/حمد/۲۴).

بر همین اساس، این کتاب حاصل تدبّر و تعمّق نگارنده در آیات و سایر متون دینی درباره معماری و شهرسازی همسو با آموزه‌های اسلامی می‌باشد که همان طور که اشاره شد، یافته‌های ارائه شده در آن، عمدتاً استخراجه از معارف معماری و شهرسازی اسلامی است؛ در عین حال، به طور محدود در برخی از مسائل فقهی و اصولی (سوم و چهارم) به برخی مباحث فقهی نیز ورود شده است که ورود به فقه در این فصول با اتکاء به مباحث آیت الله اراکی در درس خارج فقه نظام عمران شهری انجام شده است. اما به جز دو فصل مذکور، رویکرد حاکم بر سایر فصل‌ها، رویکردی معارفی است و نه فقهی. مبرهن است که نقد محتوای این فصول نیز بایستی متناسب با روش‌های تفسیری و معارفی و نه روش‌های فقهی. در عین حال، نگارنده اذعان دارد که همه نقدها و قصور احتمالی موجود در این پژوهش، متوجه شخص وی است و مبرهن است که دامن اسلام و آموزه‌های غنی آن، از این نقدها و قصور، مبرا است. بر همین اساس، از همه اساتید محترم (اعم از حوزوی و دانشگاهی) و مخاطبان گرامی استدعا دارم چنانچه به بخش‌های مختلف این کتاب محتوای آن در فصل‌های مختلف، نقدی دارند و در برداشت‌ها و تحلیل‌های اینجانب از منابع دینی، نقصانی را مشاهده می‌نمایند، نگارنده را مطلع فرمایند تا انشاءالله نسبت به بررسی و در صورت لزوم، اصلاح آن در چاپ‌های آتی اقدام گردد.

همچنین به حکم «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بر خود لازم می‌دانم از همه اساتید، دوستان و بزرگوارانی که حقیر را در طی مراحل مختلف تألیف این کتاب، حمایت کردند صمیمانه قدردانی نمایم؛ از حضرت آیت الله اراکی به دلیل لطف ایشان برای قبول تدوین مقدمه برای این کتاب، از استاد ارجمندم جناب آقای مهندس نقره‌کار که در طی سال‌های طولانی، افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام و بخش‌هایی از این کتاب، حاصل آموخته‌های بنده در محضر ایشان است، از دوستان حوزوی و ارجمندم حجج الاسلام و آل‌سلمین آقایان شیخ عباس محمودی، روح الله طاهری و امیر خاکساری که بزرگوارانه پذیرفتند به بخش‌هایی از این کتاب را مطالعه و نقد فرمایند، از همکار و دوست ارجمندم آقای دکتر سعید ناری قمی که سخاوتمندانه برخی مقالات منتشر نشده خود را در اختیار بنده قرار دادند با مطالعه آنها بتوانم بخش‌هایی از این کتاب را به سرانجام بهتری برسانم، از دوست عزیزم آقای دکتر محمد عواد شریف زاده که زحمت نقادی فصل دهم کتاب را متقبل شدند، از دانشجویان عزیزم در طی سال‌های متمادی که با نقد نظرات بنده در دانشگاه‌ها و کلاس‌های درس مختلف شرکت کردند به برخی نقدها و نواقص نظریاتم آگاه شوم و نسبت به تکمیل آنها بکوشم، از همه دوستان و همکاران عزیزی که با حمایت‌های معنوی و دوستانه خود سبب دلگرمی بنده برای تحمل رنج‌ها و سختی‌های این پژوهش در طی سال‌های متمادی شدند و از همه مهمتر، از خانواده و به‌ویژه همسر و فرزندان عزیزم که قطعاً تألیف این کتاب بدون ایثار و همراهی صمیمانه آنها میسر نمی‌شد.

در عین حال، انکار نمی‌نمایم که مدیران، همکاران و نهادهای مختلف (اعم از دانشگاهی، تخصصی و یا حوزوی) نیز بودند که با وجود مراجعات و درخواست‌های مکرر بنده برای درک ضرورت و اهمیت حمایت از چنین پژوهشی، نخواستند و یا نتوانستند از این پژوهش حمایت نمایند که حقیقتاً برخی اوقات، این بی‌مهری‌ها و عدم درک اولویت‌های پژوهشی کشور، برای بنده دلسرد کننده می‌شد؛ به ویژه آنکه گمان می‌کردم و هنوز نیز گمان می‌کنم که موضوع این کتاب، از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر بوده است و مشاهده کم‌لطفی و بی‌توجهی برخی مدیران و مسئولان نهادهای مختلف به این دغدغه‌ی رهبر انقلاب، حقیقتاً برای بنده سخت و دلسرد کننده بود اما لطف خدای متعال همواره و در

